

Analysis of the scope of responsibility for paying blood money from Treasury in Islamic jurisprudence¹

Abbas Abedi¹, Seyed Mohammad Mehdi Ahmadi²

¹ PhD Student, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran (**Corresponding Author**).
abedi.abbas^{۰۰۰^}@gmail.com

² Assistant Professor, Faculty of Law, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran.
Ahamad@gom_ac.ir

Abstract

According to the principle of personal punishment, the offender must be responsible for the payment of blood money in the event of a crime. But this principle has some exceptions, one of which is the payment of blood money Treasury. The scope of liability of the bailiff in some cases, including in line crimes, is even known and available, but according to the law, the steward in the crime is not the guarantor of the payment of blood money and the bailiff is the guarantor in other crimes. In some cases, the offender has been held responsible for the payment of blood money, despite the lack of identification of Johnny and his inaccessibility, such as being killed as a result of disturbances and chaos. But in relation to social issues there are cases where, despite the entry of illegitimate damages, the responsibility for the payment of blood money and compensation is not borne by a specific person, and in the legal and legal texts it is not explicitly stated about them in such cases. Relying on principles of responsibility such as the jurisprudential rules of "the law of the infallible and the lawful" and "disaster", the responsibility to compensate for the dignity of human beings, to secure social justice, to promote public safety, and to support the restoration of their lives. He was in charge of Treasury and took steps in that direction.

Keywords: blood money, Treasury , Human factor, Murder, Islamic jurisprudence.

¹ **This article is excerpted from a doctoral dissertation entitled:** Fundamentals and scope of payment of Blood Money from the treasury in Jurisprudence of Imamieh.

تحلیل دامنه مسوولیت پرداخت دیه

از بیت المال در فقه اسلامی^۲

عباس عابدی،^۱ سید محمد مهدی احمدی^۲

^۱ دانشجوی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسوول). abedi.abbas0008@gmail.com
^۲ استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران. Ahamad@gom_ac.ir

چکیده

بنابر اصل شخصی بودن مجازات ضرورت دارد که در صورت وقوع جنایت، بزهکار مسوول پرداخت دیه باشد. اما این اصل دارای استثنائاتی است که یکی از این موارد پرداخت دیه از بیت المال می باشد. دامنه شمول مسوولیت بیت المال در برخی موارد از جمله در جنایات خطئی در حالاتی است که حتی بزهکار شناخته شده و در دسترس است. اما بنا به حکم شرع، مباشر در جنایت، ضامن پرداخت دیه نیست و بیت المال ضامن است و در سایر جنایات نیز در بعضی حالات با وصف عدم شناسایی جانی و عدم دسترسی به وی مانند کشته شدن در نتیجه اغتشاشات و آشوبها که هویت جانی معلوم نمی باشد، شارع مسوول پرداخت دیه دانسته شده است. اما در پیوند با مسایل اجتماعی مواردی یافت می شود که علیرغم ورود ضرر نامشروع، مسوولیت پرداخت دیه و جبران خسارت به عهده شخص خاصی قرار نگرفته است و در متون فقهی و قانونی نیز بطور صریح در مورد آنها اظهار نظری نگردیده است که در اینگونه حالات با تکیه بر مبانی مسوولیت مانند قواعد فقهی «لایبطل دم امرء مسلم» و «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» مسوولیت جبران خسارات را در جهت رعایت کرامت و حرمت انسانها، تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای امنیت عمومی و حمایت از بزه دیدگان در راستای بازسازی زندگی آنان بر عهده بیت المال دانست و در این راستا گام برداشت.

کلیدواژه‌ها: دیه، بیت المال، عامل انسانی، جنایت، فقه اسلامی.

^۲ این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان: «مبانی و دلنه پرداخت دیه از بیت المال در فقه امامیه» است.

مقدمه

یکی از مباحث مهم چه در امور مدنی و چه در ارتباط با مسایل کیفری مستلزم پرداخت دیه، مواردی است که به هر دلیلی از جمله ناشناس ماندن بزهکار یا عدم امکان انتصاب به شخص معین مانند قتل در آشوبها و... جبران ضرر و زیان وارده به بزه دیده توسط جانی فراهم نباشد. طبق یک اصل فقهی و حقوقی مسلم، هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند. از طرفی عدم صراحت متون فقهی و روایی در موارد مرتبط با برخی مسایل اجتماعی در بیان شخصی که وظیفه پرداخت خسارات را برعهده دارد، مشکلات عدیده‌ای را در روند رسیدگی به پرونده‌های قضایی ایجاد نموده و باعث حاکمیت رویه‌های متفاوت در محاکم گردیده است. لذا، واکاوی موارد فقهی پرداخت دیه از بیت‌المال و انطباق هریک با مبنا و منبع فقهی و انطباق آن با قوانین موضوعه و النهایه بیان موارد رفع ابهام توسط قانونگذار، ضروری جلوه می‌نماید.

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

۱. قلمروی پرداخت دیه از بیت‌المال چه می‌باشد؟

۲. فقه موارد و مسایل جدید و نوظهوری را که فاقد پیشینه بوده و در روایات و منابع فقهی در مورد آنها بحث نشده، چگونه پوشش می‌دهد؟

فرضیه پژوهش

مسئولیت بیت‌المال در پرداخت دیه به لحاظ جلوگیری از هدر رفتن خون انسان و پیشگیری از ضرر بدون جبران بوده و موارد پرداخت دیه توسط آن نهاد حصری و موضوعی نیست، بلکه تمثیلی می‌باشد.

روش پژوهش

اطلاعات اولیه تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و از آنجا که موارد و مصادیق مسئولیت پرداخت دیه در فقه به صورت پراکنده و نامنظم بحث شده است، با هدف بیان نظام‌مند و یکپارچه آن و انطباق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تبیین منابع و مدارک مثبتة مسئولیت بیت‌المال در هر مورد پرداخته شده است. همچنین نسبت به کشف و رفع خلاءهای قانونی اقدام و پیشنهادات صریح و شفاف در انطباق با مسایل اجتماعی ارائه گردیده است.

در نهایت باید یادآور شد که گرچه در سالیان اخیر همزمان با معطوف شدن سیاست کیفری به شخص بزه دیده، لزوم حمایت هرچه بیشتر از مجنی علیه در قالب جبران خسارت مد نظر قانونگذار بوده است، اما در عین حال خلاءهای قانونی در ارتباط با پرونده‌های قضایی و معضلات اجتماعی در پرداخت دیه توسط بیت‌المال وجود داشته که پیشنهادات صریح و شفاف در مورد آنها ارائه و مورد بررسی قرار گرفته است. پیرامون مسئولیت بیت‌المال فقهای امامیه به صورت پراکنده در ابواب حدود، قصاص و ... در تعلق دیه به موارد سلب حیات مطالبی را بیان نموده‌اند و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و در سایر قوانین مختلف مانند ماده ۴۱ قانون جرایم نیروهای مسلح به موارد مختلفی اشاره شده است.

قتل نفس و جان که موجب و مستلزم پرداخت دیه از سوی بیت‌المال است، شامل جنایت خطای محض، جنایت خطای شبیه به عمد، جنایت عمدی است.

در فقه اسلامی شیعی به واسطه آنکه فاعل عامل انسانی باشد، پرداخت دیه در چند محور پدیدار می‌گردد:

۱. **هنگامی که عامل جنایت:** معلوم و در دسترس باشد، معلوم بوده و در دسترس نیست، مجهول و نامعلوم است.

۱-۱. **معلوم و در دسترس بودن جانی:** موارد و مصادیق این دسته آنگونه که در فقه و حدیث و قانون آمده است، به شرح ذیل می‌باشد:

۱-۱-۱. جنایت خطئی و عدم وجود ورثه

قتل در اثر خطای محض اتفاق می‌افتد، یعنی قاتل سوء نیت و قصد از بین بردن مقتول را نداشته است و ابزار و وسیله و یا شرایط قتل را هم فراهم ننموده است، اما در اثر فعل و اقدامش فردی به صورت خطئی کشته می‌شود. مسوولیت بیت‌المال در پرداخت دیه در قتل خطاء شامل تمام مواردی می‌شود که قتل خطئی انجام گرفته است و فرقی ندارد که قاتل مسلمان باشد یا کافر و کنایی، آزاد باشد یا بنده، زن باشد یا مرد، بالغ باشد یا کودک و نابالغ.

در روایت معتبره یونس به طور مطلق آمده است که مردی کسی را به صورت خطئی به قتل می‌رساند و قبل از پرداخت دیه به اولیاء مقتول فوت می‌کند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۱۷۲).

شیخ مفید با استناد به روایات نام‌برده در جنایت خطئی در صورتی که قاتل دارایی و اموال نداشته باشد و همچنین فاقد عاقله باشد، فتوا به پرداخت دیه او از بیت‌المال می‌دهد و منظور از امام را نیز حکومت می‌داند^۳ (مفید، ۴۱۳ق، ص ۷۴۳).

برخی از فقیهان این حکم را در صورتی که قتل با بینه ثابت گردد، جاری و جائز می‌دانند و مبنای آنها در این زمینه نیز روایتی از امام علی (ع) است که فرمود: «لاتعقل العاقله الام ما قامت علیه البینه» (همان، ص ۵۳۱). آیت الله خوبی نیز می‌فرماید: «فلواقراقاتل بالقتل أو بجنايه اخرى خطأ تثبت الدية في ماله دون العاقله» (خوئی، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۴۴۶). امام خمینی نیز فرموده است: «لاتعقل العاقله ما يثبت بالاقرار بل لا يبعد من ثبوته بالبینه» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۰۰)^۴.

^۳ «و من قتل خطأ و لم تكن له عاقله تؤدي عنه الدية أداها هو من ماله فإن لم يكن له مال و لا حيلة فيه أداها عنه السلطان من بيت المال». ۱- در این خصوص قانون مجازات اسلامی در مواد ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۵ که منبعث از فقه می‌باشد، مسوولیت بیت‌المال در قبال قتل خطای محض را به شرح ذیل بیان می‌نماید:

ماده ۴۷۰: در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست.

۱-۲- اشتباه در جنایت شبه عمد

قتل خطایی شبیه به عمد مانند موردی که مادری چاقو به دست می‌خواهد سگی که به سوی گوشت حمله می‌کند را دور نماید و یا آن را بکشد. در این هنگام پسرش وضعیت را مشاهده نموده و به سوی مادر رفته و می‌خواهد مادر را از این عمل بازدارد، اما متأسفانه چاقو به اشتباه به شکم فرزند فرو رفته و او از دنیا می‌رود^۵ (کوفی، ۴۰۹ق، ص ۴۲۴).^۶

۱-۳- جنایات نابینا، صغیر و دیوانه

از دیگر موارد مسئولیت و ضمانت بیت‌المال در پرداخت دیه که در فقه و حدیث بیان گردیده است، جنایات نابینا، صغیر و دیوانه علیه جان و جسم افراد می‌باشد. چون:

اولاً، از یکسو، افعال عمد و سهو این گروه‌ها برابر با خطاء دانسته و اعتبار شده است و جنایت خطاء مستلزم و موجب پرداخت دیه می‌باشد. از سوی دیگر وضعیتی که جانی و یا عاقله او مالی ندارند و یا فاقد عاقله هستند، بیت‌المال مسئول پرداخت دیه جنایت می‌گردد.

ثانیاً، بر بنیاد فقه اسلامی و در چارچوب مقاصد شریعت اسلامی، پایمال شدن خون و حقوق آدمیان حرام و ممنوع است. در فروض نامبرده اگر دولت و بیت‌المال دیه جنات واقع شده را تأدیه نکنند، حقی پایمال و خونی هدر می‌رود و به این ترتیب فعل حرامی محقق می‌شود.

ماده ۴۷۵: در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهد^۴ - «و من قتل خطأ و لم تکن له عاقله تؤدی عنه الدیه أداها هو من ماله فإن لم یکن له مال و لا حیلۀ فیہ أداها عنه السلطان من بیت المال».

۱- در این خصوص قانون مجازات اسلامی در مواد ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۵ که منبعث از فقه می‌باشد، مسوولیت بیت‌المال در قبال قتل خطای محض را به شرح ذیل بیان می‌نماید:

ماده ۴۷۰: در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست.

ه مرتکب است، اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد، دیه جنایت از اموال او پرداخت می‌شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

^۵ - «حدثنا ابوبکر قال حدثنا مروان بن معاویه عن الربیع بن النعمان عن امه ان امراه من بنی لیث یقال لها ام هارون بینما هی جالسته تقطع من لحم اضحيتها اذشدکلب فی الدار علی ذلک اللحم فرمته بالسکین فاختأته واعترض ابن لها فوقع السکین فی بطنه من یدها فمات فوداه علی(ع) من بیت‌المال».

۶- در این مورد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد اشتباه در قتل شبیه عمد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پرداخت دیه توسط بیت‌المال را پیش‌بینی ننموده است؛ صرفاً در مورد جنایت شبه عمدی در ماده ۴۷۴ منبعث از فقه اینگونه بیان می‌نماید: «در جنایت شبه عمدی در صورتی که به دلیل مرگ یا فرار به مرتکب دسترسی نباشد، دیه از مال او گرفته می‌شود و در صورتی که مال او کفایت نکند از بیت‌المال پرداخت می‌شود».

همانگونه که گفته شد، براساس ضوابط فقهی اعمال و رفتار عمدی و غیر عمدی مجنون و دیوانه، نابالغ و صغیر، نابینا به منزله فعل خطاء شمرده شده است^۷ «عمد الصبی وخطاه واحد» و «عمدالصبیان خطأ»، «إن عمدا لاعمی مثل الخطاء»، «و جعل خطاه (مجنون) و عمده سواء» از این روی در بسیاری حالات از جمله افعال مجرمانه و جنایی حکم جنایت خطاء را دارد، یعنی اگر نابینا، صغیر و دیوانه جنایتی (قتل نفس، قطع عضو، جرح) عمداً یا سهواً مرتکب گردد، قانونگذار آن را خطاء محسوب می نماید. مثلاً اگر نابینا عمداً چشم بینای انسان سالم را درآورد و یا دیوانه فرد عاقلی را کشت و یا صغیر به عمد مرتکب قتل نفس و یا قطع عضو فرد بالغی شد، مشهور فقهاء فتوا دادماند که دیه از اموال او پرداخت می گردد و در صورت نداشتن اموال، عاقله و بستگان درجه یک که وارثان او نیز هستند، دیه را می پردازند. اگر عاقله اش مالی نداشتند و یا اصلاً عاقله نداشت، امام یا حکومت از بیت المال دیه او را پرداخت می نماید. چون علت در همه مشترک است و آن اینکه حق و خون انسان نباید تحت هیچ شرایطی پایمال گردد و نادیده انگاشته شود^۸ (کلینی، ۴۰۷، ج ۷، ص ۳۰۲)

آیت الله ناصر مکارم شیرازی در مواردی که صغار و مجانین صدماتی به دیگران وارد می کنند، بیان می دارند: «در صورتی که جنایت این افراد از موارد قتل نفس باشد از طریق بیت المال قابل جبران می باشد» «در مورد قتل نفس جبران از بیت المال بعید نیست؛ ولی در موارد دیگر جبران نمی شود» (مکارم شیرازی، بی تا، ج ۱، ص ۵۴۴-۵۴۵). به نظر می رسد از باب قواعد فقهی «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» و «لا یبطل دم امری مسلم» جهت جلوگیری از هدر رفتن خون دیگری و جلوگیری از ورود ضرر بدون جبران، پرداخت دیه توسط بیت المال و جاهت داشته باشد.

۱-۴. کشته شدن در فرایند اجرای مجازات

فردی که در فرایند اجرای حدود و قصاص، بدون تقصیر مجری حکم، در حقوق الناس از دنیا می رود، دیه اش از بیت المال پرداخت می شود.

در این مساله با دو دیدگاه روبرو هستیم.

یک. دیدگاهی به طور مطلق می گوید چنین فردی قصاص و دیه ندارد، نه بر خودش و نه بر عاقله و نه بر امام یا بیت المال و تمایز بین حدود الله و حدود الناس نیز نمی باشد. مستند و دلیل این دیدگاه روایات واصل است.^۹

^۷ براساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جرایم عمدی نابینا تابع قواعد کلی مسوولیت و خطای محض محسوب نمی شود.

^۸ معتبره ابی عبیده «ابن مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَمَارِ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) عَنْ أَعْمَى فَقَالَ: صَحِيحٌ مُتَعَمِّدٌ قَالَ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ عَمْدَ الْأَعْمَى مِثْلُ الْخَطِيئَةِ هَذَا فِيهِ الدِّيَةُ مِنْ مَالِهِ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ فَإِنَّ دِيَّتَهُ عَلَى الْإِمَامِ وَ لَا يُبْطَلُ حَقُّ مُسْلِمٍ».

^۹ روایت صحیح مسلم از امام باقر(ع) «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: مَنْ قَتَلَ الْقِصَاصُ بِأَمْرِ الْإِمَامِ فَلَا دِيَّةَ لَهُ فِي قَتْلِ وَ لَا جِرَاحَةَ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۶۵، باب ۲۴).

روایت صحیح حلبی از امام صادق(ع): «عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: أَيُّمَا رَجُلٍ قَتَلَهُ الْحَدُّ أَوْ الْقِصَاصُ فَلَا دِيَّةَ لَهُ» (همان، ح ۹).

روایت مضمرة مسلم: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع) فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ مَنْ قَتَلَهُ الْقِصَاصُ فَلَا دِيَّةَ لَهُ» (همان، ص ۶۴).

اصل در تأدیه دیه این است که شخص جانی باید آن را پرداخت نماید و پذیرش مسوولیت آن از سوی دیگران و یا بیت‌المال نیازمند دلیل و اثبات است و ناظر شرایط خاص می‌باشد.

آیت الله ابوالقاسم خوئی دارای چنین دیدگاهی است و ایشان پس از تضعیف ادله و سند دیدگاه پرداخت دیه، اعتقاد بر عدم تعلق دیه دارند^{۱۰} (خوئی، ۱۳۹۶ق، ج ۲، ص ۳۱۳).

دو. دیدگاهی وجود دارد با این مضمون که هرگاه در اثر اجرای حدود در حقوق و حدود الناس شخص فوت نماید، دیه او از بیت المال تأمین می‌گردد. مستند این قول روایتی است که حسن ثوری آن را از امام صادق (ع) نقل می‌کند و نیز مرسله صدوق می‌باشد^{۱۱} (جرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۶۴).

همچنین فتاوا و اقوال برخی از فقهاء و عالمان برجسته مانند شیخ مفید در مقنعه، و شیخ طوسی در استبصار، صاحب وسائل الشیعه، تمایل صاحب مدارک، حسینعلی منتظری و غیره در فرض یاد شده به ضمان می‌باشد^{۱۲} (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۴۳).

هرچند مشهور نزد فقهاء همان دیدگاه نخست، یعنی عدم ضمان دیه به طور مطلق است. اما دیدگاه دوم که در حدود و حقوق الناس ضمانت دیه از سوی بیت المال را لازم می‌داند، معقول و واقع‌بینانه به نظر می‌رسد.

اما دسته‌ای از روایات که مستند نظریه یا دیدگاه دوم است، بین حقوق الله و حقوق الناس تفکیک نموده است. در حدودی که از جرایم علیه حقوق الله پدیدار می‌گردد، دیه برداشته شده است. اما در جرایم علیه حقوق الناس که موجب مجازات حد و یا تعزیر می‌گردد، دیه ثابت است که باید امام (از ردیف بیت المال) آن را پرداخت نماید. یعنی هرگاه در اجرای قصاص و یا حدود در حقوق الله شخصی بمیرد، دیه ندارد. اما اگر در فرایند عملی‌سازی قصاص و حدود در حقوق الناس فردی از دنیا برود، دیه او ثابت است که بایستی امام از بیت المال آن را بپردازد. در نتیجه این دسته روایات مقید و مخصص دسته اول می‌باشد^{۱۳} (حلی فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۵۱۶).

^{۱۰} - «لا يمكن الاستدلال بها والاعتماد عليها في استنباط الحكم الشرعي اصلا فالنتيجة أنه لا دية له اصلا».

^{۱۱} - «عن ابن محبوب عن الحسن بن صالح الثوري عن أبي عبد الله (ع) قال سمعته يقول من ضربناه حداً من حدود الله فمات فلأ دية له علينا و من ضربناه حداً من حدود الناس فمات فإن دية علينا».

^{۱۲} - «و من جلدہ امام المسلمین حد حق من حقوق الله عزوجل فمات لم یکن له دية فإن جلدہ حد او أدبا فی حقوق الناس فمات کن ضامنا لدیته».

^{۱۳} - در این خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد اینکه جنایت قصاص یا دیه است و یا تعزیر که در نتیجه فرایند اجرای مجازات فرد کشته یا صدمه‌ای مازاد بر مجازات مورد حکم، به وی وارد می‌شود، قابل به تفکیک گردیده و در ماده ۴۸۵ بیان می‌دارد: «هرگاه محکوم به قصاص عضو یا تعزیر یا حد غیر مستوجب سلب حیات در اثر اجرای مجازات کشته شود یا صدمه‌ای بیش از مجازات مورد حکم به او وارد شود، چنانچه قتل یا صدمه، عمدی یا مستند به تقصیر باشد، مجری حکم، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود. در غیر این صورت در مورد قصاص و حد، ضمان متفی است و در تعزیرات، دیه از بیت المال پرداخت می‌شود» و در تبصره آن اشعار می‌دارد: «چنانچه ورود آسیب اضافی مستند به محکوم علیه باشد، ضمن منتفی است».

۱-۱-۵. کشته شدن در نتیجه اشتباه قاضی و مأمور قانون

کسی که در اثر اشتباه قاضی و یا هر مأمور از ناحیه قانون کشته شود، مسوول پرداخت دیه او بیت المال است. اینجا باید بین دو مسأله تفکیک نمود، یکی اشتباه قاضی و دیگری اشتباه مأمور قانون و حکم.

در صورت نخست، هرگاه اشتباه از حیث شکل و یا محتوا مستند به تقصیر و کوتاهی قاضی باشد، خود او ضامن پرداخت دیه است. اما اگر اشتباه مستند به کوتاهی علمی و عملی او نبوده است، در این حالت بیت المال مسوول پرداخت دیه او می‌باشد. مستند این حکم روایت اصبح ابن نباته است که بیان می‌دارد: علی (ع) فرمود: در مواردی که قاضی نسبت به قتل یا قطع عضو کسی خطا و اشتباه نمود و حکم نادرست صادر کرد که در نتیجه آن اشتباه، شخصی کشته و یا عضوی قطع می‌گردد، در این صورت دیه مقتول و یا مقطوع باید از بیت المال تأمین گردد^{۱۴} (جرعاملی، ۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۱۶۵).^{۱۵}

اما در صورتی که اشتباه از ناحیه مأمور در اجرای وظایف قانونی واقع شود و مأمور مطابق موازین قانونی عمل نموده باشد و رفتار وی موجب صدمه به دیگری شود، بیت المال مسوول است.^{۱۶}

۱-۱-۶ دفاع در مقابل تهاجم دیوانه منجر به فوت مجنون

در مقام دفاع از خویش قتلی واقع می‌شود، دیه در چنین موردی از بیت المال پرداخت می‌گردد.

این مسأله دو حالت پیدا می‌کند:

حالت اول. قاتل و جانی بالغ، عاقل و با اراده قصد فعل مجرمانه یا جنایی (قتل و قطع و جرح) علیه فرد دیگر دارد و آن فرد در مقام دفاع از خویش، فرد مهاجم را به قتل می‌رساند و یا مصدوم می‌نماید.

^{۱۴} - «اصبح ابن نباته قال: قضی امیرالمؤمنین (ع) ان ما اخطأت القضاء فی دم او قطع فهو علی بیت المال المسلمین».

^{۱۵} - در این مورد ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی بیان می‌نماید: «حکم به مجازات و یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون و یا حکم دادگاه مشخص شده است، تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، حسب مورد موجب مسوولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود».

^{۱۶} - در این باره ماده ۴۷۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳ بیان می‌دارد: «هرگاه مأموری در اجرای وظایف قانونی، عمل را مطابق مقررات انجام دهد و همان عمل موجب فوت یا صدمه بدنی کسی شود، دیه برعهده بیت المال است».

در این صورت جانی و قاتل نه قصاص می گردد و نه دیه می پردازد. همچنین بیت المال نیز مسوول و ضامن جبران و پرداخت دیه نمی باشد. مستند و دلیل این حکم عبارت است از:

آیات

خداوند در آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره می فرماید: «پس هر که به جور و ستمکاری شما دست دراز کند، او را به مقاومت از پای درآورید، به قدر ستمی که به شما رسیده و از خدا بترسید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است».^{۱۷}

همچنین در آیه ۱۲۶ سوره مبارکه نحل فرموده است: «اگر به شما کسی درد و ستمی رسانید، شما باید به همان اندازه انتقام کشید».^{۱۸}

در این آیه شریفه نیز پس از مورد ظلم و ستم (تجاوز) واقع شدن، حق عمل به مثل اجرا می شود، نه قبل از آن.

همچنین در آیات ۳۸ و ۳۹ سوره مبارکه حج که بنابر نظر مشهور و معتبر عالمان شیعه و سنی سرچشمه مشروعیت و تشریح جهاد در اسلام به شمار می رود، به روشنی بیان می گردد. پس از آنکه مورد تهاجم و تجاوز قرار گرفتید، حق دارید از خویش دفاع نموده و به طرد و دفع تجاوز بپردازید و در این راستا با آنها وارد میدان نبرد و مقاتله شوید.^{۱۹}

روایات

سنت معتبره که در احادیث زیر نیز بیان گردیده است، تجاوز و تعدی بر علیه جان و مال و آبرو و حیثیت و کرامت و خرد و حیات و حریم آدمیان را در هر شکل و اندازه آن و در هر زمان و مکانی و از جانب هر کسی که انجام گیرد را ناروا و حرام می داند و از این سوی مقابله و مقاومت در برابر آن و دفع را بر همگان به اندازه وسع و به تناسب تعدی واجب و ضروری می خواند و خون متجاوز را هدر و باطل و جایگاه مدافعین را برتر می داند.

^{۱۷} - «فَمَنْ اغْتَدَى عَلَيْكُمْ فَأَغْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اغْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره، ۱۹۴).

^{۱۸} - «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ...» (نحل، ۱۲۶).

^{۱۹} «إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ. أذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج، ۳۸-۳۹).

امام صادق (ع) فرمود: هر مردی که تجاوز و تعدی نماید بر دیگری تا به او آسیب و گزند وارد کند و آن شخص به دفاع از خویش برآمده و متجاوز را بکشد و یا مجروح بسازد، هیچ چیزی (نه قصاص و نه دیه) بر علیه او نیست. نیز فرمود: هر فردی که وارد منزل و خانه دیگران بشود تا از امور شخصی و خصوصی آنها آگاه گردد و به عورت آنها بنگرد، و متقابلاً صاحبان منزل در مقام دفاع با پرتاب تیر چشم متجاوزین را در آورد و یا زخمی بسازد، دیه ندارند. حضرت فرمود: آنکه آغازگر تجاوز و تعدی باشد و خود به عنوان دفاع مورد تعدی قرار گرفت، قصاصی نیست^{۲۰} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۹۱). جانی متجاوز و مهاجم از نظر شریعت و در نزد قانون مهذور الدم دانسته شده است و مصونیت قانونی و شرعی ندارد. از سوی دیگر، یکی از شرایط مسوولیت بیت المال و حکومت در پرداخت دیه در فقه اسلامی عدم مهذور الدم بودن مجنی علیه می باشد. در نتیجه بیت المال در مساله و فرض یاد شده مسوولیتی در پرداخت دیه ندارد.

در این حالت اقدام بر علیه امنیت و سلامت حیات، عقل، جان، مال و ناموس آدمی انجام گرفته و حرمت و کرامت انسان پایمال گردیده است. از سوی دیگر، مقصود از ضمانت و مسوولیت بیت المال در پرداخت دیه و نیز علت و حکمت تشریح دیه، همانا حفظ، پاسداری و تقویت سلامت و امنیت حیات، جان، مال، ناموس و کرامت آدمیان و نیز تأمین حقوق و عدالت اجتماعی می باشد. از این روی، در مساله مورد بحث هرگاه بیت المال دیه را بپردازد، به طور طبیعی برخلاف منظور و مراد مسوولیت بیت المال اقدام شده است.

حالت دوم. جانی مجنون و صغیر است و بر علیه فردی فعل مجرمانه و جنایی انجام می دهد و آن فرد در مقام دفاع از خویش مهاجم را به قتل می رساند. فقها در این صورت اختلاف دیدگاه دارند:

برخی از فقهاء معتقدند که خون مجنون و صغیر متجاوز هدر و باطل است. لذا، بیت المال هیچ مسوولیتی در قبال پرداخت دیه ندارد. محقق حلی در شرایع می فرماید: عاقل در مقابل مجنون قصاص نمی شود و هرگاه مجنون قصد جان انسان عاقلی را نماید و او در مقام دفاع از خویش مجنون متجاوز را به قتل برساند، خون مجنون هدر است و دیه ای ندارد^{۲۱} (حلی فخرالمحققین، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۹۰).

فاضل آبی بیان می دارد: هرگاه انسان عاقل، مجنون متجاوز را به قصد دفع از خویش بکشد، خون او هدر است^{۲۲} (فاضل آبی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۱۲).

علامه حلی نیز حکم به هدر بودن خون مجنون و عدم دیه می کند: «ولو قصد القاتل (العاقل) دفعه (مجنون) ولم یندفع الا بالقتل کان هدرا» (علامه حلی، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۹).

^{۲۰} صحیح حلی «عن الحلبی عن ابي عبد الله (ع) قال: ... ایما رجل عدا علی رجل لیضربه فدفعه عن نفسه فجرحه أو قتله فلا شیء علیه و قال ایما رجل اطلع علی قوم فی دارهم لینظر إلی عورتهم فرمؤه ففقتوا عینیة أو جرحوه فلا دینه له و قال من بدأ فاعتدی فاعتدی علیه فلا قود له».

^{۲۱} - «ولو قصد القاتل دفعه کان هدرا. وفی روایه: دیته فی بیت المال».

^{۲۲} - «ولو قصد العاقل دفعه کان هدرا».

ابن فهد حلی نیز همین فتوا را دارد: «ولو قصد العاقل دفعه کان هدرا» (ابن فهد حلی، ۴۱۳ق، ج ۵ ص ۱۹۵). بسیاری از فقهای دیگر مثل شهید ثانی در مسالک (شهید ثانی، ۴۱۶ق، ج ۱۵، ص ۱۶۴). صاحب مجمع البرهان و صاحب جواهر (صاحب جواهر، ۱۳۶۷، ج ۴۲، ص ۱۸۵؛ طباطبایی، ۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۱۳).^{۲۳}

۱-۷. جنایات خطای محض اهل کتاب

اهل کتاب چنانچه نسبت به یکدیگر جنایتی را مرتکب شوند و تمکن مالی نیز نداشته باشند، دیه آنها را امام یعنی حکومت پرداخت می‌کند، چرا که جزیه به دولت می‌پردازند. در روایت صحیحی ابی ولاد از امام صادق (ع) آمده است که ایشان فرمود: «عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَثَّابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَيْسَ فِيمَا بَيْنَ أَهْلِ الذِّمَّةِ مُعَاقَلَةٌ فِيمَا يَجْنُونَ مِنْ قَتْلِ أَوْ جِرَاحَةٍ إِنَّمَا يُؤْخَذُ ذَلِكَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ مَالٌ رَجَعَتِ الْجَنَايَةُ عَلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ لِأَنَّهُمْ يُؤَدُّونَ إِلَيْهِ الْجَزِيَّةَ كَمَا يُؤَدِّي الْعَبْدُ الضَّرِيبَةَ إِلَى سَيِّدِهِ قَالَ وَ هُمْ مَمَالِكٌ لِلْإِمَامِ فَمَنْ أَسْلَمَ مِنْهُمْ فَهُوَ حُرٌّ» (ابن بابویه، ۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۴۱).

در میان اهل ذمه درباره جنایتهایی مثل قتل و جراحات که انجام می‌دهند، دیه بر عاقله نیست، بلکه از اموال آنان دیه گرفته می‌شود و اگر مال و دارایی نداشته باشند، پرداخت دیه به امام بر می‌گردد، زیرا آنها به امام جزیه می‌دهند.

۱-۸. فوت قاتل پس از قتل و قبل از ثبوت جرم و تردید در عقل وی

فردی شخص دیگری را عمداً به قتل می‌رساند، ولی حد بر او جاری نمی‌شود و بینهای هم بر علیه او وجود ندارد تا اینکه قاتل عقل‌اش را از دست می‌دهد. سپس افرادی و یا گروهی بر علیه او شهادت می‌دهند. امام باقر (ع) می‌فرماید اگر شهادت می‌دهند که قاتل در حین قتل سالم و صحیح‌العقل بوده است، قاتلی که اکنون عقل‌اش را از دست داده است، قصاص می‌شود. اما اگر آنگونه شهادت نمی‌دهند، یعنی شهادت نمی‌دهند که در حین ارتکاب جرم قاتل عاقل و سالم بوده است و تنها شهادت به انجام قتل از سوی او می‌دهند. در این فرض اگر جانی اموالی دارد، دیه از اموالش پرداخت می‌گردد و اگر مالی ندارد، در این صورت دیه او از بیت المال پرداخت می‌شود (ابن بابویه، ۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۰۶).

۱-۹. کشته شدن زناکار دارای شرایط احسان پس از فرار از محل اجرای مجازات

هرگاه فردی محسن و محصنه‌ای نزد مراجع ذیصلاح اقرار به زنا یا محصنه نماید، آنگاه در اثر این اقرار او را محکوم به سنگسار نموده و در گودالی قرار بدهند تا سنگسار نمایند و پس از اصابت سنگی به او از حفره یا گودال فرار نماید و مردم حاضر در آنجا او را بازگرفته و بکشند.

^{۲۳} - برابر موازین شرعی تبصره ۳ ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است، جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت المال پرداخت می‌شود».

در این صورت دیه او از بیت المال پرداخت می‌شود، زیرا در فرض یاد شده پس از فرار کسی حق بازگرداندن و کشتن او وجود نداشته است. مستند این حکم روایت پیش رو است که رسول گرامی اسلام در مورد محصنی که با اقرار بر علیه خودش مجرم شناخته شده بود و در حین اجرایی حکم سنگسار فرار می‌کند، مردم او را گرفته و به قتل می‌رسانند، پیامبر(ص) دیه او را از بیت المال می‌پردازد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۸۵).

۱-۱-۱۰. قتل خطئی و عدم وجود بستگان و اموال جهت قاتل

هرگاه قاتل فرد مسلمان باشد و مسلمان دیگر را به قتل خطئی بکشد و شخص قاتل اموالی نداشته باشد و از سوی همه بستگان و اقارب او نیز غیر مسلمان و ذمی هستند، در این صورت طبق قواعد مستند به روایت اهل ذمه نمی‌توانند مسوولیت جنایت خویشان خود را به عهده گرفته و جبران نمایند: «قال الصادق(ع): «لیس فیما بین اهل ذمه معاقله». از سوی دیگر، نباید حق و خون انسانی پایمال گردد: «لایبطل دم امرء» و «ولایبطل حق امرئ». همچنین مقصد و هدف از مسوولیت و ضمانت بیت المال در پرداخت دیه و دیگر امور، همانا تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای امنیت اجتماعی، تحقق مصالح و خیر عمومی، حمایت از حقوق مردم، بهسازی زندگی و... می‌باشد. در نتیجه دیه بزه دیده براساس ادله پیش گفته و نیز صحیحی ایی ولاد باید از سوی امام و از طریق بیت المال پرداخت گردد^{۲۴} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۵۹).

۱-۱-۱۱. سقط جنین به لحاظ ترس از اجرای حدود

هرگاه حکومت و یا حاکم شرع مأموری را برای احضار و محاکمه زن باردار گناهکار بفرستد و او از ترس اجرای حدود الهی، جنینش را سقط کند (سقط شود)، بنابر نظر و قولی دیه آن جنین باید از سوی بیت المال پرداخت گردد. شیخ طوسی در خلاف بیت المال را ضامن پرداخت دیه جنین می‌داند^{۲۵} (طوسی، ۱۳۸۷ق، ص ۱۵۹).

محقق در این مسأله دو دیدگاه را یاد می‌کند، یکی دیدگاهی که بیت المال را مسوول پرداخت دیه می‌داند و خود نیز همین قول را بر می‌گزیند. قول دیگر که عاقله را ضامن پرداخت دیه می‌داند و از این قول به «قیل» که نشان دهنده ضعف آن است، تعبیر نموده است^{۲۶} (حلی فخرالمحققین، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۵۱).

شهادت ثانی نیز بیت المال را مسئول پرداخت دیه می‌خواند^{۲۷} (شهادت ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۲۱۴-۲۱۳).

^{۲۴} - در این خصوص ماده ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با توسعه مسوولیت بیت المال به پرداخت دیه اعم از دیه نفس و عضو اشعار می‌دارد: «در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت المال پرداخت می‌شود. در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست».

^{۲۵} - «فأن كانت حاملاً فأسقطت فالضمان علی الامام لاجماع الصحابه علیه».

^{۲۶} - «ولوأنفذ الی حامل لاقامه حد فأجهضت خوفا، قال الشیخ: دیه الجنین فی بیت المال وهو قوی لأنه خطأ وخطأ الحکام فی بیت المال».

^{۲۷} - «ولوأنفذ الحاکم إلی حامل لإقامة حد فأجهضت أی أسقطت حملها خوفا فدیته أی دیه الجنین فی بیت المال، لأنه خطأ الحکام فی الأحکام».

جمعی دیگر از فقهاء متقدم و متأخر در مسأله یادشده دیه را بر عاقله امام و حاکم می‌دانند، چون آن را قتل خطاء محض می‌بینند که دیه‌اش را عاقله ضامن است (ابن ادریس، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۴۸۰).

۱-۲. معلوم و در دسترس نبودن جانی

در این فرض عامل جرم و جنایت که مستلزم پرداخت دیه می‌گردد، معلوم و شناخته شده است، اما در اثر شرایط و اوضاع خاص پیش آمده غیر قابل دسترس می‌باشد. مثل اینکه فرار نموده، یا فوت کرده، یا در جایی اسیر و زندانی است که امکان دسترسی به آن امکان‌پذیر نمی‌باشد. یا تعداد مجرمین و جانیان هرچند محدود و معلوم است، اما به اندازه و شکلی درآمده است که تشخیص و تعیین دقیق سبب و مباشر بسی دشوار گردیده و قصاص همه ممکن نیست. نمونه‌ها و موارد قابل ذکر آن در فقه به شرح ذیل است:

۱. عامل جنایت فرار نموده و قانون و ذیحق به آن دسترسی ندارد و ظاهراً دسترسی به او نیز عملی نمی‌باشد.

مستند این حکم روایت معتبره ابی بصیر و صحیحه ابی نصر و قاعده «لایبطل دم امرء و یا حق امرء»، «لایطل الدم» شهرت و عمومیت تعلیل است.

ابی بصیر گفت، از امام صادق (ع) سؤال نمودم: مردی، مرد دیگر را عمداً کشت و سپس فرار نمود و دسترسی به او نیز ناممکن است. حضرت فرمود: اگر قاتل فراری مالی دارد، دیه از مالش برداشت شده و به اولیاء مقتول پرداخت می‌شود. اگر اموالی ندارد، از وابستگان و وارثین او به ترتیب قرابت دیه گرفته می‌شود. اگر نزدیکانی نداشت، و آنکه امام از بیت المال دیه او را پرداخت می‌کند، چون خون هیچ مرد مسلمانی هدر نمی‌رود^{۲۸} (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۹۵).

۲. عامل جنایت قبل از قصاص فوت می‌کند و یا به هر دلیل دیگر مانع اجرای قصاص وجود دارد، مثل اسیر شدن. در همه این موارد قصاص به دیه منتقل و تبدیل می‌شود. در این صورت اگر جانی و قاتل اموالی دارد، دیه از اموال او گرفته می‌شود و اگر مالی ندارد، اقارب و وارثین او ملزم به پرداخت دیه هستند و در صورتی که اقارب و وارثین او نیز مالی نداشته باشند و یا اقاربی نداشته باشد، در این حالت و فرض دیه مقتول را از بیت المال پرداخت می‌نماید. مستند این قول و نظر به شرح ذیل است:

حریر می‌گوید از امام صادق (ع) پرسیدم: مردی دیگری را عمداً به قتل می‌رساند. قاتل به والی و حاکم تسلیم می‌گردد. والی قاتل را به اولیای مقتول تحویل می‌دهد تا او را قصاص نمایند. گروهی از مردم حمله نموده و قاتل را از دست اولیای مقتول رها می‌سازد. امام فرمود: گروهی که قاتل را فراری داده‌اند، گرفتار و زندانی می‌شوند تا قاتل را تسلیم اولیای مقتول نماید.

^{۲۸} «عَنْ أَبِي بِنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ رَجُلًا مُتَعَمِّدًا - ثُمَّ هَرَبَ الْقَاتِلُ فَلَمْ يُقَدَّرْ عَلَيْهِ - قَالَ: إِنْ كَانَ لَهُ مَالٌ أَخَذَتِ الدِّيَةَ مِنْ مَالِهِ - وَإِلَّا فَمِنَ الْأَقْرَبِ فَأَلْقَرَبِ - فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرَابَةٌ آدَاهُ الْإِمَامُ - فَإِنَّهُ لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ.»

از امام سوال شد: اگر قاتل بمیرد و آنها در زندان باشند؟ امام فرمود: اگر قاتل فوت کرد، این گروه فراری دهنده با هم دیه را به اولیای مقتول بپردازند^{۲۹} (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۴۹).

۳. فردی از سوی گروه و جمع معلوم مردم مورد حمله قرار گیرد و فوت نماید، دیه‌اش از سوی بیت المال پرداخت می‌گردد.

مستندش رویداد و روایتی است که بیان می‌دارد، روزی امام علی (ع) روی منبر بود و مردم را به مبارزه و مشارکت در صفین فرا می‌خواند. مردی از میان مردم برخاست و بر امام اعتراض نمود. مردم حاضر در مسجد و مجلس بر او حمله نمودند و مورد ضرب و شتم قرار دادند و آن مرد فوت کرد. امام علی (ع) دستور داد دیه او از بیت المال پرداخت شود^{۳۰} (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۲، ص ۳۹۸).

۴. عامل جنایت در اثر عملیات انتحاری و انفجاری و یا حمله نظامی که خود به ناحق علیه فرد یا افرادی ترتیب و انجام می‌دهد، از دنیا می‌رود و هویتش نیز روشن و شناخته شده است. در این صورت دیه کشته‌شدگان از سوی بیت المال پرداخت می‌گردد.

دلیل حکم این مسأله، همان ادله‌ای است که در مسأله پیشین (۲ و ۱) که مانع برای اجرای قصاص وجود دارد، مثل فرار، فوت، زندان یا هر عامل و مانع دیگر، یاد شده می‌باشد، زیرا ملاک و علت حکم مزبور دسترس ناپذیری عامل معلوم و شناخته شده جنایت است که در تمامی این مسائل مشترک بوده و موجود است.

۱-۳. مجهول و نامعلوم بودن جانی

در این صورت عامل جنایتی که مستلزم پرداخت دیه می‌گردد، ممکن است یک فرد و یا چندین فرد به عنوان شخص حقیقی باشند و یا ممکن است شخصیت حقوقی داشته باشند. نمونه‌های این محور در فقه به شرح ذیل می‌باشد:

۱-۳-۱. کشته شدن در نتیجه آشوب‌ها و اعتراضات

فرد یا افرادی که در اثر فتنه‌ها، اعتراض‌ها و آشوب‌هایی که در جامعه و در سطح شهر و خیابان‌ها شب یا روز انجام می‌گیرد و یا آشوب‌ها و فتنه‌هایی که در نتیجه اختلافات گروه‌های حق و باطل در جامعه پدیدار می‌گردد، کشته، قطع عضو و معیوب یا زخمی می‌شوند، و یا

^{۲۹} - «عن ابی ایوب عن حریر عن ابی عبد الله (ع)، قال: سألته عن رجل قتل رجلاً عمداً، فرفع إلى الوالی، فدفعه الوالی إلى أولیاء المقتول لیقتلوه، فوثب علیه قوم فخلصوا القاتل من أیدی الأولیاء، قال: أری أن یحبس الذین خلصوا القاتل من أیدی الأولیاء (أبداً) حتی یأتوا بالقاتل. قیل: فإن مات القاتل و هم فی السجن؟ قال: إن مات فعلیهم الدیة یؤدونها جمیعاً إلى أولیاء المقتول».

^{۳۰} - «ثم روى نصر عن معبد قال: قام علی (ع) على منبره خطيباً فكننت تحت المنبر أسمع تحريضة الناس و أمره لهم بالمسير إلى صفين فسمعتهم يقولون سيروا إلى أعداء الله سيروا إلى أعداء القرآن و السنن سيروا إلى بقيّة الأحزاب و قتلّة المهاجرين و الأنصار فعارضة رجل من بني فزارة و وطأه الناس بأرجلهم و ضربوه بنعالهم حتى مات فوداه أمير المؤمنين من بيت المال».

زن حامله‌ای از وحشت و ترس سقط می‌نماید که در نتیجه آن هم خودش و هم جنین‌اش از دنیا می‌رود و در عین حال قاتل و ضارب معلوم نمی‌باشد. دیه مجنی علیه در این موارد از بیت المال پرداخت می‌گردد.

مستند و دلیل این حکم عبارتند از:

اولاً. روایت معتبره سکونی است که نقل از حضرت امیر(ع) بیان گردیده: در فتنه و آشوب‌هایی که در شب یا روز در جامعه واقع می‌شود و منجر به قتل و قطع و جرح می‌گردد و عامل جنایت نیز معلوم نیست، قصاص وجود ندارد و عاقله نیز ضامن نمی‌باشد. بیت المال دیه را پرداخت می‌نماید^{۳۱} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۵۵).

ثانیاً. قواعد «لا یبطل دم امری» یا «لا یبطل حق امرء» و «لا تطل الدماء» و قواعد دیگر که بیان گردید، از جمله قاعده «الزعیم غارم» که مطابق آن هر فرد یا نهادی که متعهد و مسوول کاری می‌باشد، باید به آن عمل نماید و حکومت چون متعهد و مسوول ایجاد امنیت و حفظ جان مردم است و نتوانسته آن را به درستی انجام بدهد، پس باید خسارت وارده را جبران کند. قاعده «ولایت حاکم بر ممتنع» که در نتیجه ممتنع هم شامل اشخاص و اوضاع بازدارنده می‌شود و هم شرایط و اشخاصی که حقوق و مزایایشان تضییع گردیده را در برمی‌گیرد. براساس این دو قاعده حکومت مسوول و متعهد به پرداخت دیه از طریق بیت المال به بزه‌دیدگان می‌باشد.

ثالثاً. در این فرض نسبت به تک تک افراد دیگر اصل برائت ذمه از جنایت انجام گرفته، جاری است، زیرا دلیل روشن و استواری بر استناد جنایت به آنها وجود ندارد^{۳۲}

۱-۳-۲. کشته شدن در نتیجه ازدحام

افرادی که در اثر ازدحام جمعیت در روز جمعه، روز عرفه یا روی پل می‌میرند و قاتل نیز معلوم نمی‌باشد، در این صورت دیه را بیت المال پرداخت می‌نماید که در این موارد روایات نقل قول شده از حضرت امیر(ع) و امام صادق(ع) بیت المال را مسوول پرداخت دیه می‌داند.^{۳۳}

^{۳۱} - «عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) لَيْسَ فِي الْهَائِشَاتِ عَقْلٌ وَ لَا قِصَاصٌ وَ الْهَائِشَاتُ الْفَرْعَةُ تَقَعُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَيُشَجُّ الرَّجُلُ فِيهَا أَوْ يَقَعُ قَتِيلٌ لَا يُدْرَى مَنْ قَتَلَهُ وَ شَجَّهُ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ آخَرَ يَرْفَعُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَوَدَاهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ.»

^{۳۲} - نظر به اینکه حکومت وظیفه برقراری نظم و حفظ آن و استقرار امنیت را عهده دار می‌باشد، در راستای حمایت از بزه دیدگان این جرایم با تخصیص اعتبار ویژه در بودجه عمومی کشور، با ابلاغ اعتبار ردیف ۱۰۵۰۲۲ از طریق سازمان برنامه و بودجه به وزارت کشور تمهیداتی را از طریق ابلاغ به استانداری‌ها و فرمانداری‌ها برای حمایت از بزه‌دیدگان این جرایم پیش‌بینی نموده است. بزه‌دیدگان مشمول این ابلاغیه شامل بزه‌دیدگان جرایم تروریستی و بمب‌گذاری و خسارت‌های ناشی از اغتشاشات، بحران‌های اجتماعی، سرقت‌ها، راه‌زنی‌های مسلحانه و غارت اموال و... می‌باشد که در این موارد پرداخت خسارات صرفاً نسبت به جنایات نفس و عضو نیست، بلکه جبران خسارت اموال منقول و غیر منقول را نیز شامل می‌شود.

^{۳۳} - خبر عبدالملک از امام صادق(ع) از علی(ع): «سَهْلُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ: مَنْ مَاتَ فِي زَحَامٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَوْ يَوْمَ عَرَفَةَ أَوْ عَلَى جِسْرِ لَا يَعْلَمُونَ مَنْ قَتَلَهُ فَدَيْتُهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۰۱).

همچنین قاعده «لایبطل دم امرء مسلم»، «لایبطل حق امرء»، «أنه لایبطل دم فی الاسلام» و یا «لا تطل الدماء و لا تعطل الحدود» که اسناد و مفادشان پیش از این بازگو شده است، به روشنی دلالت دارند که هدر شدن حق و خون انسان ناروا و حرام می‌باشد و در مسأله مورد بحث هرگاه جنایت واقع شده علیه جان آدمی جبران نگردد، خون انسان پایمال می‌گردد که بر بنیاد این قاعده حرام و ممنوع است. بنابراین، باید جبران گردد و تنها مرجعی که در این فرض می‌تواند جبران نماید، بیت المال می‌باشد.

مضافاً بناء عقلاء بر این است که در چنین حالتی که قتل به شخص خاص و یا جمع معین و یا اهالی منطقه مشخصی قابل استناد نباشد، نباید نسبت به حیات آدمی بی تفاوت بود و خون وی هدر نگردد. لذا لزوم جبران خسارت و ترمیم آسیب‌های وارده بر بزه‌دیدگان بر مسوولیت بیت المال دلالت دارد.

۱-۳-۳. پیدا شدن جسد در مکان‌های عمومی

مقتول و میت در خرابه و یا در بیابانی پیدا شود، اما قاتل و عامل جنایت معلوم و مشخص نباشد، دیه او از بیت المال پرداخت می‌گردد.

مستند و دلیل آن عبارتند از:

اولاً، روایتی است به طور خاص به همین مسأله پرداخته که مردی قصاب با چاقو در خرابه‌ای برای کاری مثل دستشویی رفته و با مقتول و میتی که در خون غلطیده بود، مواجه می‌شود. جمعی از مردم او را در این حال می‌بینند و نزد حضرت علی(ع) می‌آورند و می‌گویند وی قاتل است. او نیز به قتل اقرار می‌کند. امام دستور می‌دهد تا حکم را اجرا نماید. در همین لحظه مردی با سرعت نزد آنها آمده و خواهان توقف اجرای حکم می‌شود و اقرار می‌کند که اوقاتل است، نه آن مرد. علی(ع) از مرد اول می‌پرسد چه چیزی باعث شد تا بر علیه خود به دروغ اقرار کنید. بیان داشت، چاره نداشتم، همه شواهد بر علیه من بود و مردم مرا در آن حالت دیده بودند و سخنم را کسی باور نمی‌کرد. امام علی(ع) آنها را نزد امام حسن(ع) روانه نمود تا در خصوص موضوع حکم نماید. امام حسن(ع) هر دو را تبرئه نموده و دیه مقتول را از بیت المال پرداخت نمودند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۹۰).

یا مثل روایت صحیحی ابی بصیر که مقتول در بیابانی پیدا می‌شود، امام می‌فرماید دیه او از بیت المال پرداخت می‌گردد و خون مسلمان هدر نمی‌گردد^{۳۴} (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۴، ص ۴۹۸).

ثانیاً، همه ادله‌ای که در مسأله مجهول و نامعلوم بودن قاتل و عامل جنایت یاد شده، در این مورد نیز ساری و جاری است. چون علت، حکمت و مقصد حکم در همه مشترک و یکسان حضور دارد و آن علل عبارتند از: «لایبطل دم یا حق امرء» و «من لایدری قاتله فدیته من بیت المال» که به تفصیل بیان گردیده است.

^{۳۴} «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «إِنْ وَجِدَ قَتِيلًا بِأَرْضِ فَلَاةٍ، أَدَّتْ دِيَّتَهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ، فَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: لَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ.»

کشته‌ای در بازار شهر یا در میان نظامیان و پادگان‌ها و نهادها و اردوی جنگی پیدا می‌شود و قاتل معلوم نیست که در این خصوص روایتی از امام جعفر صادق (ع) نقل شده که بیت المال را مسوول پرداخت دیه می‌داند^{۳۵} (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۲۰۶).

همچنین همان ادله، علت و حکمت و مقصد حکمی که برای مجهول و نامعلوم بودن عامل جنایت بازگو گردیدند، اینجا نیز جاری و حاکم می‌باشد. چون این مسأله نیز مصداق و مورد «من لایدري قاتله فديته من بيت المال» و «لا يبطل دم امرئ» است.

شیخ طوسی در «النهایه» نیز فتوا به ضمانت بیت المال داده است^{۳۶} (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۵۴).

۱-۳-۵. پیدا شدن کشته در پی شنیدن کمک و استغاثه در شب

هرگاه در تاریکی شب صدای داد و فریاد و یاری طلبیدن فردی شنیده شود و سپس مردم به جستجو برآمده تا رفع مشکل کنند، اما او (صاحب صدا و فریادگر) را کشته یا زخمی بیابند بی‌آنکه جانی را شناسایی نمایند. در اینگونه موارد دیه بزه‌دیده از سوی بیت المال پرداخت می‌شود.

مستند و ادله این موضوع همان روایات و دلایلی است که در باب «لایدري من قتله فديته من بيت المال...» پیش از این بازگو و تبیین گردید که در یکی از روایات کلمه «الفرعه تقع بالليل والنهار» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۱۴۶) نیز آمده است. فتاوی ذیل نیز مستند به همان ادله می‌باشد:

شیخ طوسی در نهاییه فرموده است: «إذا وقعت فرعه بالليل فوجد فيها قتيل او جريح لم يكن فيها قصاص و لا أرش و كانت دية علي بيت المال» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۵۴).

^{۳۵} - «عَنْ مَسْعُودَةَ بِنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: ... فَأَمَّا إِذَا قُتِلَ فِي عَسْكَرٍ أَوْ سَوْقٍ مَدِينَةٍ فِدْيَتُهُ تُدْفَعُ إِلَى أَوْلِيَائِهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ».

^{۳۶} - «و إذا وجد قتيل في معسكر، أو في سوق من الأسواق، و لم يعرف له قاتل، كانت دية علي بيت المال».

نتیجه‌گیری

بیت المال به عنوان شخصیت حقوقی که در برخی موارد ضمانت پرداخت دیه به بزه دیده یا اولیاء دم را به عهده دارد، مستلزم کاوش در متون فقهی است. تلاش پژوهش کنونی این بوده که موارد پراکنده مسوولیت بیت المال را از متون فقهی استخراج و هر یک را در انطباق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان نموده و به بررسی مواردی که بیت المال، ضامن پرداخت دیه دانسته شده و اینکه در صورت وجود نظرات مختلف فقها، کدام نظریه مورد پذیرش مقنن قرار گرفته، بپردازد. در غالب موارد مانند «جنایت خطئی و عدم وجود ورثه» و یا «کشته شدن در نتیجه اشتباه قاضی»، قانونگذار به تبعیت از نظر مشهور، بیت المال را مسوول و در برخی موارد مانند «کشته شدن و جنایت مازاد در نتیجه فرایند مجازات» از نظر مشهور پیروی ننموده است. اما در بعضی موارد مانند «سقط جنین به لحاظ ترس از اجرای حدود» و یا «فوت قاتل پس از ارتکاب بزه و قبل از ثبوت جرم و تردید در عقل وی» با وصف بررسی آن در متون فقهی، نص صریحی در قانون مبنی بر مسوولیت بیت المال وجود ندارد، که در این حالات محاکم وفق موازین قانونی مستنداً به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی با استناد به منابع معتبر فقهی در مورد جبران خسارت اتخاذ تصمیم می‌نمایند. همچنین قانونگذار در نوآوری براساس ماده ۴۲۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مواردی که صاحب حق قصاص توان پرداخت فاضل دیه را نداشته و جرم مخل نظم و امنیت عمومی بوده و احساسات مردم را جریحه‌دار کرده است و مصلحت در اجرای قصاص تشخیص گردیده با درخواست دادستان و تأیید رییس قوه قضائیه بیت المال را مسوول پرداخت فاضل دیه قلمداد نموده است. همچنین هرچند مقرراتی جهت حمایت از بزه دیده توسط قانونگذار به تصویب رسیده، اما برخی از این مقررات پراکنده، ناقص، مبهم یا مکتوم می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌شود:

۱- در جهت دسترسی و دستیابی آسان عموم و علمای حقوق و قضات و سایر دست‌اندرکاران حمایت از بزه دیدگان چه مسوولیت بر عهده بیت المال باشد یا مرجع دیگر، مقررات موجود تنقیح و مصوبات مکتوب (مانند خسارت‌زدایی از قربانیان حوادث تروریستی) از پرده‌نشینی به درآمده و با تنسيق و تنظیم آنها از طریق اطلاع‌رسانی سریع و صریح، بزه‌دیدگان را از اصول حمایتی مصوب در مورد آنان مطلع نماید. لازم به ذکر است که گرچه وزارت کشور در تاریخ ۱۳۷۵/۰۳/۲۶ با اصلاحات بعدی بخشنامه‌ای با عنوان «نحوه تشخیص و تخصیص اعتبار ردیف ۱۰۵۰۲۲» تصویب نمود که پرداخت خسارت به اشخاص حقیقی را در نتیجه عملیات تروریستی و بمب‌گذاری و اعمال خشونت‌آمیز را مطرح می‌نماید، اما به واسطه عدم اطلاع‌رسانی و عدم آگاهی مردم آنچنان که باید، قابلیت اجرایی ندارد. بنابراین، از آنجائی که حکومت متعهد حفظ نظم و حقوق جامعه است، از طرفی وقوع جنایت تروریستی نشانه‌ای از عدم کارایی ابزارهای امنیتی جامعه می‌باشد، شایسته است مقررات مدون و شفاف در حمایت از بزه‌دیدگان و قربانیان حوادث تروریستی وضع شود.

۲- از آنجایی که در جرایم علیه تمامیت جسمانی مهلت پرداخت دیه توسط جانی در جنایات عمدی «یک سال»، شبه عمدی «دو سال» و در خطایی «سه سال» پیش‌بینی شده که این مهلت در مواردی که بیت المال نیز مسوول پرداخت دیه می‌باشد نیز ساری و جاری است. از طرفی فی مابین زمان وقوع جرم برای درمان و مداوا، پرداخت هزینه‌هایی ضروری است که بلافاصله پس از وقوع جرم در قبل از محکومیت، قطعیت حکم و حلول مهلت‌ها می‌بایستی انجام پذیرد و با توجه به اینکه بزه‌دیدگان مستقیم و

ثانوی در جهت درمان و مداوا و هزینه‌های روزمره و همچنین در صورت قتل، هزینه‌های تدفین می‌بایستی به صورت نقدی پرداخت شود. حال آنکه قریب به اتفاق آنان تمکن مالی جهت پرداخت اینگونه مخارج را ندارند و به همین علت در معرض بزه‌دیدگی مکرر قرار می‌گیرند. لذا پیشنهاد می‌شود همانند حوادث رانندگی با تأسیس صندوق و تخصیص اعتبار برای آن، با پرداخت قسمتی از خسارت اینگونه بزه‌دیدگان را تحت پوشش قرار دهند.

۳- ضرر و زیان ناشی از ارتکاب برخی جرایم مانند سرقت‌های مقرون به آزار و یا نزاع‌ها که در نتیجه ارتکاب جرم به فرد صدمه وارد گردیده، ولی مرتکب متواری و شناسایی نمی‌گردد- که از نظر کمی قسمت عمده‌ای از جرایم را تشکیل می‌دهد- به واسطه خلاء قانونی بلاجبران باقی می‌ماند. در این قبیل موارد رویه قضایی واحدی وجود ندارد. شایسته است از آنجا که ایجاد امنیت و برخورداری از نظم اجتماعی از وظایف حکومت بوده که قصور نموده و در شناسایی مرتکب نیز توفیقی نداشته، از طرفی در بسیاری از موارد مانند دارا شدن ترکه فرد بلاوارث بدون جهت اموالی کسب می‌نماید. شایسته است بر مبنای قواعد کلی «من له الغنم فعلیه الغرم» و همچنین «الضمان بالخراج» مقرراتی توسط قانونگذار در جهت جبران ضرر و زیان بزه‌دیدگان تصویب شود.

۴- مقرراتی تصویب تا پس از ملائت جانی- که بیت المال به جای وی دیه را پرداخت نموده- امکان رجوع به وی در راستای تأمین اعتبار برای موارد مشابه بعدی وجود داشته باشد.

۵- شایسته است قانونگذار با توجه به جهت عاطفی و سیاسی و به لحاظ جلوگیری از اخلال در نظم با التفات بر مبانی مسوولیت بیت المال، پرداخت دیه را در موارد ذیل پیش‌بینی نماید:

الف. در مورد جراحات ارتکاب یافته، کمتر از موضحه توسط طفل در حالتی که وی مالی جهت پرداخت ندارد و خسارت مصدوم بلاجبران باقی می‌ماند.

ب. بیت المال به نحو مساوی نسبت به تمام شهروندان، حتی نسبت به غیر مسلمانانی که جزء اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی نیستند، از آنجا که داخل در حکومت اسلامی زندگی و با پرداخت مالیات و جزیه حکومت را یاری می‌نمایند، مسوولیت پرداخت دیه را عهده‌دار باشد.

قرآن کریم

۱. ابن ادريس (۱۴۱۱ق). **السرائر**. قم: دفتر انتشارات اسلامي، جامعه مدرسين حوزه علميه، ج ۳.
۲. ابن بابويه، محمد بن علي (۱۴۱۳ق). **من لا يحضره الفقيه**. قم: بی نا، ج ۴.
۳. ابن فهد حلی (۱۴۱۳ق). **المهذب البارع**. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه، ج ۵.
۴. آيين دادرسی مدنی.
۵. بای، حسینعلی (۱۳۸۳). **قلمرو مسوولیت بیت‌المال در پرداخت دیه. حقوق اسلامی**، شماره ۳.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعه**. قم: موسسه آل البيت، ج ۱۸، ۲۹.
۷. حلبی، ابوالصلاح تقی‌الدین (۱۴۰۳ق). **الكافی فی الفقه**. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع).
۸. حلی فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). **ایضاح الفوائد**. قم: موسسه اسماعیلیان، ج ۴.
۹. حلی فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). **شرایع الاسلام**. تهران: انتشارات استقلال، ج ۴.
۱۰. خمینی، سید روح الله (بی تا). **تحریر الوسیله**. قم: موسسه مطبوعات دارالعلم، ج ۲.
۱۱. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۶ق). **مبانی تکمله المنهاج**. قم: دارالهادی، ج ۲.
۱۲. شهید ثانی (۱۴۱۰ق). **الروضه البهیة**. قم: داوری، ج ۹.
۱۳. شهید ثانی (۱۴۱۶ق). **مسالك الافهام**. بی جا: پاسدار اسلام-موسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱۵.
۱۴. صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۷). **جواهر الکلام**. قم: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴۲.
۱۵. طباطبایی، سیدعلی (۱۴۰۴ق). **ریاض المسائل**. قم: موسسه آل البيت، ج ۲.
۱۶. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷ق). **مبسوط**. بی جا: مکتبه المرتضویه.
۱۷. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۰ق). **النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی**. بیروت: دارالکتب العربی.
۱۸. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۰۷ق). **تهذیب الاحکام**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۰.
۱۹. علامه حلی (بی تا). **تحریر الاحکام**. مشهد: موسسه آل البيت، ج ۲.
۲۰. فاضل آبی (۱۴۰۸ق). **کشف الرموز**. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه، ج ۲.
۲۱. **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**.
۲۲. **قانون مجازات اسلامی**.
۲۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الكافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۷.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹ق). **الكافی**. قم: دارالحديث، ج ۱۴.
۲۵. کوفی، ابن ابی شیبہ (۱۴۰۹ق). **المصنف**. بیروت: دارالفکر، ج ۶.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). **بحار الانوار**. بیروت: دار احیاء التراث، ج ۳۲.
۲۷. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). **المقنعه**. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (بی تا). **استفتائات جدید**. قم: نرم افزار مجموعه آثار آیه الله ناصر مکارم شیرازی، ج ۱.